

اعتبار الدوله - بنده تقاضا میبکنم
 راپورت کمیسیون بودجه راجع بورتبه حسین
 نظمی که طبع و توزیع شده است جز دستور
 جلسه آتی بشود
 رئیس - آقای طهرانی
 (اجازه)
 طهرانی - تقاضا میکنم بعضی از وزراء
 از آنها استوالات شده بفرمایند حاضر شوند
 رئیس - آقای صمدالسلطنه
 (اجازه)
 صمدالسلطنه - بنده هم همین تقاضای
 آقای اعتبار الدوله را داشتم بضمیمه یکی
 دوقره شهر به مختصری که راپورت آنها هم
 از کمیسیون گذشته است و صاحبانشان هم
 خیلی قیرووریشانند
 رئیس - راجع ببیشنهاد آقای حاج
 میرزا عبدالوهاب مضامنی هست یا نه خیر
 آقای آقا سید یعقوب ؟
 (اجازه)
 آقا سید یعقوب - مسئله طراز رجوع
 شد بشعب و در شعبه ما که آقای حاج میرزا
 عبدالوهاب رئیس هستند هنوز تحت شور و
 مطالعه در نیامده است و از شعبه دیگر هم
 بنده اطلاعی ندارم اگر آقایان میخواهند
 بدون مطالعه در شعب ببیشنهاد کنند بمجلس
 مسئله است ولی هنوز در شعب تحت مطالعه
 در نیامده است و مطابق سابقه باید در شعب
 تحت شور و مذاقه در آید
 رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب
 (اجازه)
 حاج میرزا عبدالوهاب - اگر بنا بشود
 که شعب ششماه معطل بکنند که نمیشود و
 بعقیده بنده باید زودتر تکلیفش را معین
 بکنند و گمان نمیکنم که این مسئله چندان
 مربوط بشعب باشد برای اینکه مطابق قانون
 اساسی باید طراز اول در مجلس باشد فقط
 در مرحله اول بشعب رجوع شد برای اینکه
 يك تبادل نظری بین نمایندگان حاصل شود
 و گمان نمیکنم این اندازه قابل اشکال باشد
 بعضی از نمایندگان - عده کافی
 نیست .
 رئیس - عده برای مذاکرات کافی
 نیست .
 (مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی -
 مؤتمن الملك
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه ۲۸ سنبله
۱۳۰۳ مطابق ۲۱ صفر -
المظفر ۱۳۴۳
 مجلس سه ساعت ربع کم قبل از ظهر
 بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل
 گردید .
 (صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۶
 سنبله را آقای آقا میرزا شهاب قرائت
 نمودند)
 رئیس - آقای داور . (اجازه)

داور - بنده پس از تصویب صورت
 مجلس عرض دارم .
 رئیس - آقای مدبر الملك .
 (اجازه)
 مدبر الملك - بنده در جلسه گذشته با
 وجود اینکه نیم ساعت دیر آمدم اجازه
 خواستم بنده را غائب بدون اجازه نوشته اند
 در صورتیکه بنده غائب نبوده ام نیم ساعت
 دیر آمدم آن را هم اجازه داشتم .
 رئیس - تحقیق میشود بعد اصلاح
 میشود .
 آقای یاسائی .
 (اجازه)
 یاسائی - در جلسه گذشته که راپورت
 کمیسیون مبتکرات راجع ببیشنهاد آقای
 ضیاءالو اعظین در خصوص تبدیل چند کلاس
 از مدارس متوسط بکلاهای صنعتی مطرح
 بود گویا فراموش شد راجع بفوریت آن
 که از طرف کمیسیون مبتکرات تقاضا
 شده بود رأی گرفته شود بنده تقاضا میکنم
 قبل از دخول در دستور هر گاه محظور
 نظامنامه نداشته باشد در فوریت آن رأی
 گرفته شود .
 رئیس - آقای داور .
 (اجازه)
 داور - موضوعی را که بنده میخواهم
 در آن عریضی کرده باشم محتمل است
 مورد توجه نشود والبته نه از نقطه نظر
 اینست که قضایا را اهمیت ندهم ولی قضایای
 جاری بطوری ما را مشغول کرده است و
 يك عادتی برای ما پیدا شده که در مسائل
 یومیه بقدری مستغرق میشویم که مسائل
 مهمه غالباً از نظر میروند و وقت و فرصت
 وقت در آن ها را نداریم از این نظر است
 که عرض میکنم ممکن است مسائلی که
 عرض میکنم مورد توجه نشود ولی در هر
 حال برای اینکه اولاً این مسائل گفته
 شود وثانیاً کم آن عادت گذشته ماها را
 رها کند عرض میکنم بطور کلی چه در
 محافل سیاسی و چه در مملکت که امروز
 تمام مردم کارشان سیاست مداری است همه
 معتقد و قائل بیک اصلاحاتی هستیم همه
 صحبت میکنیم برای اوضاع اقتصادی و
 مالیه مملکت و مصارف و غیره و با وجود
 همه صحبت ها در عمل میبینیم نتیجه نگرفته ایم .
 علتی که من برای این مسئله قرض کردم
 این است که اعتقاد يك درجاتی دارد يك
 وقت اعتقاد ممکن است تا حدودی باشد
 که شخص خودش اعتقاد داشته باشد و
 بخواهد آن را اظهار کند درجه بالاتر از
 این است که بحرف قناعت کنند در صورتیکه
 برایش تولید اشکال نکند . بالاخره
 همینطور درجه بدرجه ممکن است اعتقاد
 بجائی برسد که انسان را وادار بعملی کند .
 علت اصلی اینکه در مملکت ما اصلاحاتی نشده
 است و با همه صحبت هایی که میشود باز من
 می بینم بدبختی ما روز بروز بیشتر است

شاید برای این است که اعتقاد ما تا درجه
 حرف است و علت اینکه این همه صحبت
 میشود نتیجه گرفته نمیشود برای این است
 که در مسائل بطور کلی صحبت میکنیم .
 بطور کلی میخواهیم اوضاع اقتصادی خوب
 شود .
 بطور کلی میخواهیم مملکت راههای
 شوسه داشته باشد و بالاخره سایر مسائل
 که میخواهیم بطور تفصیل عرض کنم ولی
 در هیچ کجا و در هیچ مملکتی ممکن نیست
 اصلاحی صورت خارجی بگیرد مگر اینکه
 قبل از وقت در اطراف آن درست مطالعه
 شده و نقشه هائی تهیه شده و پس از آن
 دست بعمل بزنند و تمام امور مملکتی را هم
 نمیشود بطوری اصلاح کرد که بگوئیم
 فلان مسئله را يك قسمتش را امسال اصلاح
 میکنم و يك قسمتش را سال دیگر . اصل
 متناسب که تمام امور مملکت را متناسب
 باهم نگاه میدارد آن اصل مانع است که
 بگوئیم در يك قسمت مملکت اصلاحاتی
 بشود و گوشه دیگر مملکت خراب بماند
 و باید مطابق ترتیبات عالی صحیح و مطابق
 تمدن امروزه دنیا نقشه هائی تهیه کرد و اساساً
 سعی کرد که آن نقشه ها خیلی مطالعه شده
 و درش کار شده باشد و برای اصلاحات
 آن نقشه ها طرح کرد .
 غالب از مسائل اجتماعی و اقتصادی
 ما هنوز حل نشده مثلاً اگر بخواهم موافق
 دلایل علمی صحبت کنیم نمیتوانیم بدانیم
 امتداد راه آهن برای سراسر ایران ممکن
 است یا خیر ؟ عملی است یا نه ؟ با وجود این
 اگر ما فرض کنیم این مسئله را حل کردیم
 باین ترتیب که ممکن نیست يك راه آهن
 سراسر ایران پیدا کنیم در این صورت
 اشخاص که میگویند باید راه آهن
 داشت تمام این صحبتها از بین خواهد رفت
 و همه متوجه خواهند شد که طریق عملی تر
 دیگری که وسائل حمل و نقل را تأمین کند
 و با تمدن امروزه دنیا توافق داشته باشد
 پیدا کنند و غالب مسائل دیگر هم همینطور
 است .
 این کار را کی باید بکنند ؟ یا باید يك
 دستجات و احزاب و يك مردمان بصیر و
 مطمئن به نشینند و فکر کنند و از نقطه نظر
 مصالح عمومی يك مسائلی را که دنبال
 کردند حل کنند و آن یر گرام آنها باشد
 باین معنی که از این راه داخل عمل شوند و
 این ترتیب تا با امروز عمل نشده يك طریق
 دیگر و راه عملی تر و نزدیک تر به نتیجه این
 است که دولت مسائل را بگیرد و حل کند
 یعنی بخیال این باشد که يك اصلاحاتی باید
 بشود و اولاد دولت باید معتقد باشد که از کاغذ
 زیاد خواندن و زیاد امضا کردن
 مملکت آباد نمیشود . مسائلی را که برای
 آبادی مملکت مفیدتر و مهمتر است
 آنها را باید طرح کنند و باید به بینند
 هر کدام مهم تر است به مجلس بیآورند و از
 نمایندگان بخواهند که در آن زمینه اقدامات
 بشود .

چند روز پیش یکی از آقایان نمایندگانی
 (آقای دولت آبادی) ببیشنهاد کردند که برای
 مسائل اقتصادی کمیسیونی در مجلس
 شود و آن کمیسیون به نشینند و مسائل
 اقتصادی را طرح نموده و مطالعاتی در آن
 بنمایند .
 البته اساساً این فکر خوب فکر
 است ولی وسائل ندارد يك وقت هست
 ما میخواهیم قضایا را با فکر دیمی حل کنیم
 یعنی یا يك فکری که دنبال يك اطلاعات
 عملی و علمی نرفته است آن وقت بد نیست
 يك کمیسیونی در مجلس معین شود که
 مسائل اقتصادی صحبت کند ولی اگر بخواهد
 در طریق عملی کار کنیم همانطور که در سایر
 ممالک دنیا کار میکنند باید کار راجع
 کنیم به اشخاصی که هم دارای اطلاعات
 علمی وهم دارای اطلاعات عملی باشند
 این کار را عجلتاً دولت میتواند بکند .
 دولت دارای يك اکثریت زیاد
 در مجلس شورای ملی هست و امیدوار
 کم کم داخل در این مراحل بشود و فک
 اصلاحات بیفتد .
 این دولت که در مجلس اکثریت دار
 ر از کشمکش های مجلسی آزاد است
 يك مسائلی را در نظر بگیرد و بنده عجل
 يك مسائلی را پیش نهاد میکنم که دولت از ط
 مجلس دعوت شود و آن مسائل را در
 مطالعه نماید و در يك مدتی که من خیال میکنم
 سه ماه باید قرارداد که هم مدت کافی باشد
 وهم بتوانیم به نتیجه برسیم و خیلی طول
 نباشد چند مسئله است که بنده پیش
 می کنم دولت درش مطالعه نماید یک
 راجع است به اوضاع زراعتی و فلاحتی
 باید یکی یکی نواقص فعلی طرز زرا
 را (نه بطور کلیات که در مجلس
 میشود) درش مطالعه نموده آن نواقص
 مرتفع سازد و همان طور که عرض کرد
 مسائل نباید بطور کلیات صحبت کرد
 مذاکرات کافی نموده و مسائل علمی
 آفات از قبیل سن و ملخ و زنک و غیر
 هست و روز بروز مملکت را فقیرتر
 بدبخت تر و مندرس تر می کند فراهم
 و بالاخره میزان اصلاحات و مخارج
 دولت برای اصلاحات لازم دارد و قتر
 معین شد دولت باید ولو اینکه فر
 بکند با مالیات های جدیدی که مردم
 بتوانند تحمل کنند پیش نهاد کند و از
 راهها آن مخارج بشود تا اینکه پس از
 ها که چندین هزار نفر مردم زحمات زیاد
 سن یا ملخ حاصل آن ها را از دست
 نگیرد .
 دوم اصول مختلفه که امروز در
 نقطه از ایران به يك ترتیبی سهم
 رعیت را معین میکند باید در نظر
 هر کدام از آنها بهتر است آن
 تعمیم بدهند و بالاخره رعیت
 را بزراعت و آبادی

نمایند این یکی از مسائل مهمه است .
امروز نه مالک و نه رعیت هیچ
کدام روی هم رفته باشوق کار نمی کنند
زیرا حاصل عمل آنها غالباً کم است و
بزحمتشان نمی ارزند .

سوم نقشه عملی تشویق و بسط ابریشم
کاری در ایران و اعتباری که در این راه برای
دولت لازم است .

دولت ایران اگر بنا شد در این خصوص
یک اقدام و مطالعاتی بکند بنده تصور می
کنم اگر یک مخارجی از طرف دولت بشود
و مردم تشویق شوند میتوانند یک زراعت
خیلی قابل ملاحظه پیدا کنند و این زرعت
اسباب ازدیاد ثروت و
زیادی صادرات خواهد شد چهارم حالت
فعلی زراعت و تجارت تریاک .

میزان سالبانه محصول تریاک مقداری
که سالیانه در ایران تریاک و شیره کشیده
میشود . و اینکه اگر دفعتاً این زراعت
قدغن شود چه ضرر واقعی برای مملکت
دارد .

این یک موضوعی است که ممکن
است بعضی اشخاص بگویند خیلی خیلی
ضرر دارد ولی ممکن است من برخلاف باشم
ولی برای اینکه این مسئله محقق شود بین
این دو نظر که ترک تدریجی در فاصله یک
مدت کمی و ترک آنی کدام ترجیح دارد
باید یک راه عملی تر را پیدا کرد و باید
دید منافع و ضرر هر کدام از آنها چیست و
هر کدام عملی تر شد بموقع اجرا گذارده
شود و باید دید اگر اصلاح در ترک تدریجی
این زراعت است چند سال مهلت باید داد؟
و باید دید چه زراعتی را باید بیشتر سعی
کرد که قائم مقام زراعت تریاک شود و
نقشه عملی برای رسیدن بمقصود که عبارت
از بر انداختن زراعت تریاک است و میزان
اعتباری که دولت برای اجرای آن نقشه
لازم دارد چیست؟

پنجم از نقطه نظر آبادی املاک و
عایدات دولت خالصه جات رادولت بفروشد
بهتر است یا خیر .

بایستی اول دید واقعاً خوب است
دولت خالصه داشته باشد ؟ لازم است که
دولت مالک باشد؟ اگر این مسئله معلوم شد
که لزومی ندارد آیا باید تمام خالصه به
ترتیب استهلاکی فروختن بهتر است یا
نظریه دیگر؟ و بالاخره این مسائل باید
حلاجی شود و تحقیق شود و معلوم شود
اگر قسمتی از خالصه جات یا تمام آن باید
بملکیت دولت باقی بماند اجازه دادن
خالصه جات مفید تر است یا اداره آن
ها بتوسط خود دولت؟ اگر بطریق استهلاکی
خالصه جات دولت فروخته شود چه میزان
از این راه عاید دولت خواهد شد و باید
داخل شوند در این مطالب و ترتیبی برای
کل خالصه جات بدهند

ششم تشخیص طرفی که از نقطه نظر
اقتصادی تسطیح آنها اهمیت و فوریت دارد
تسطیح و نگاهداری طرق بوسیله دولت
بهتر است یا بوسیله شرکت های تجارتي و
کمیانیها؟

این مسائلی است که فوق العاده مهم است
و باید درست تدقیق شود که آیا خود دولت
راهها را تسطیح کند بهتر خواهد بود یا اینکه
به یک کمیانی یا یک شرکت های واگذار کند
بهتر است؟

بعدهم مخارج تسطیح و نگاهداری طرق
مهمه و اعتباراتی که برای این کار لازم
است .

باز هم بنده تکرار میکنم که اگر دولت
چندین میلیون هم قرض بکند و بهترین منابع
عایدات خودش را گرو بدهد برای اینکه
راههای خودش را تسطیح کند می ارزند .

مسئله هفتم که فوق العاده در اوضاع
اقتصادی اهمیت دارد تهیه مقدمات جلب کارگر
و مخصوصاً فلاح خارجی به ایران و ترتیب
نقشه کشی با رعایت لزوم جلوگیری از مضار
سیاسی و وزادی - فلاح و صنعتگر خارجی را
متوطن در ایران و تشویق کنیم .

مملکت ایران وسیع است ولی با ترتیب
فعلی نمیشود امور زراعت آن را اداره کرد
باید یک نقشه های اساسی برای این کار
کشید و دید همانطور که در مالک متمنه دنیا
مثل آمریکا که اراضی زیادی داشتند و
جمعیت آنها کم بود چگونه و وسائل تشویق
فراهم آوردند و از سایر جاهای مردمی
آورده و در آنجا متوطن کردند تا اینکه هم
از نقطه نظر جمعیت و هم از نقطه نظر رعیت
و کارگر استفاده کنیم و البته عده که به این
مملکت می آیند وجود آنها مثل یک مدرسه
ایست برای زارعین و فلاح های دیگر . این
مسائلی بود که بنده خواستم دولت دعوت شود
و در ظرف سه ماه این مسائل را با یک
اشخاصی بصیر در کمیسیونهای اداری و غیر
اداری درس مطالعه کنند و تمام جزئیات
این کار را ملاحظه نموده راپرت مفصلی
بدهند .

ولی همان طوز که عرض کردم امید
ندارم که طرف توجه واقع شود و اهمیت به
این هم نمی دهیم که طرف توجه بشود فقط
و فقط از نقطه نظر اینکه خیال میکنم این
مسائل از کشمکش در اعتبار نامه ها و
اصلاح مواد نظامنامه داخلی و از مسئله
علائم صنعتی برای این مملکت بی صنعت بیکار
بهتر است این عرایض را عرض کردم
حالا مجلس میخواهد بپذیرد نمیخواهد
نه پذیرد .

وزیر فواید عامه - یک قسمت از بیاناتی
که آقای داور فرمودند راجع بود بوزارت
خانه که فعلا بنده متصدی آن هستم و با
اظهار قدر دانی از ایشان که متوجه به این

نکات شده اند عرض میکنم خود بنده هم در
نظر داشتم که عنقریب لوائعی در این باب
تهیه و تقدیم مجلس نمایم و ضمناً سئوالاتی از
وزارت فواید عامه شده بود بنده برای جواب
حاضرم .

رئیس - راپرت ثانوی کمیسیون
تجدید نظر در نظامنامه داخلی مطرح است
وزیر فواید عامه - بنده استدعا کردم که
اگر آقایان سئوالاتی دارند بفرمایند چون بنده
میخواهم مرخص شوم .

رئیس - آقای عماد السلطنه از وزارت
فواید عامه سئوالی داشتید؟

عماد السلطنه - بادم نیست .

رئیس - آقای دستغیب
(اجازه)

دستغیب - سئوال بنده از وزارت فواید
عامه راجع به واگون های شهر است همه
آقایان بی ترتیبی و واگون را از هر جهت
میدانند و لازم بشریح و توضیح زیادی در
اصل این بی ترتیبی نیست زیرا بطوری بی
ترتیب است که نه تنها اسباب شکایت شخصی
بنده شده بلکه در زمانی است که عموم سکنه
طهران از بی ترتیبی و واگونها شکایت میکنند
و سئوال بنده اگر بخوام جز عجز سئوالات
کنم این طور است .

اولا سئوال میکنم از آقای وزیر فواید
عامه که آیا ممکن است تاریخ این امتیاز را
گفت؟ و بر فرض اینکه تاریخ این امتیاز را
بفرمایند آیا این امتیاز الغاء یا نسخ یا تمام
شدن مدتش تصادف کرده است با مشروطیت
ایران؟ و اگر تصادف کرده است آیا اجازه
و امتیاز ثانوی داده شده است یا خیر؟ این یک
سئوال بنده است .

سؤال دیگر بنده این است که اساساً
امتیاز مال همه ایرانست یا فقط منحصر به
طهران است؟ اگر امتیاز مال همه ایران
ترتیب چیست که تا بحال معطل شده و در
سایر شهرها خط آهن کشیده نمیشود؟
و اگر بالفرض مال خود تهرانست

طهران منحصر نیست خیابانهایش بدو
یاسه خیابان آیا سایر خیابانها را امتیاز
داده اند یا این کمیانی یا نداده اند؟ اگر امتیاز
داده اند چرا سایر خیابانها را خط آهن
نمی کشند؟ و اگر امتیاز نداده اند آن را
هم بفرمایند تا اگر کمیانی دیگری هست
برای سایر خیابانها که گمان میکنم غیر
متصور باشد که یک کمیانی بیاید امتیاز
بگیرد نسبت بدو یاسه خیابان اگر منحصر
است امتیاز این کمیانی باین دوسه خیابان
را هم بفرمایند تا کمیانی دیگر برای کشیدن
خط آهن در سایر خیابانها تأسیس بشود .
مامیسنیم فقط آن جاهائی که محتاج بخط
واگون نیستند خط آهن کشیده شده و
آنجاهائی که محتاجند سکنه آن به واگون
خط آهن ندارد و آنجا یک وسایل نقلیه اش
زیاد از جمله وسایل نقلیه یکی هم واگون
است .

مثلاً در لاله زار اطراف میدان توپخانه
و سایل نقلیه زیاد است .

اما خیابان اسمعیل بزاز خط آهن
ندارد . در صورتیکه سکنه آنجا احتیاجاتشان
بواگون از هر جهت بیشتر است برای اینکه
در آنجا قرائمی هستند که شاید نمیتوانند دو
قران پول در شبکه بدهند و احتیاجاتشان
بوسایل نقلیه پیش از سایر خیابانها است
اما اطراف میدان توپخانه و لاله زار که
شاید یک عده در آنجا باشند که صاحب مکتب
و ثروت باشند و میتوانند دوسه قران پول
بدهند در آنجاها واگون هست اما آن
خیابانهای که یکمشت سکنه فقیر بی بضاعت
دارد ابدأ وسایل نقلیه درش نیست زیرا
درشکه که محل توقف و ایستگاهش در آنجا
نیست و اگر نهم نیست آن وقت اگر دو قران
هم بخواهند پول درشکه بدهند ندارند و
اگر هم داشته باشند ایستگاه و محل توقف
درشکه در آنجا نیست .

بیشتر مامی شنیدیم که میگفتند چون
جنک بین المللی راهها را مسدود کرده است
از این جهت کمیانی نمیتواند اسباب آلات
وارد کند ولی جنک که تمام شد بدون تأمل
و بدون درنگ افزار و اشیاش را وارد
میکند و خطوط آهن را میکشد متأسفانه
مدتی است از جنک بین المللی میگذرد و
هنوز خط آهن در اطراف خیابانها کشیده
نشده است این هم سئوال دوم بنده سئوال سوم
بنده راجع بقیمت واگون است سابق قیمت
واگون سه شاهی بود

بعضی از نمایندگان - سه شاهی بود
دستغیب - دیگر بهتر ابتداء قیمت
واگون سه شاهی بود که تا آخر خط میرفت
بعد خورده خورده رسید به پنج شاهی از پنج
شاهی به سیصد دینار شاید بعضی
از آقایان خیال کنند که یک شاهی و صد
دینار اهمیت ندارد بلی برای جیب
آقایان شاید اهمیتی نداشته باشد اما برای
جیب یک نفر پیره زن یک شاهی و صد
دینار اهمیت کلی دارد و عجب در این است
که مسئله گورس درشکه را اصلاح میکنند
و میگویند درشکه کورسی سه قران
زیاد است و دو قران میکنند ولی واگون
را هیچ توجهی نمیکنند در صورتیکه
گمان بنده این است که کسر کردن قیمت
درشکه شاید برای خاطر این است که صاحبش
فقیر تر است از آن کمیانی که این امتیاز
خط آهن را گرفته است .

در صورتیکه درشکه هم یا اسب
حرکت میکنند اگر منظور اصلی در تخفیف
قیمت درشکه برای خاطر ارزانی علیق است
که برای واگون هم این مسئله باید منظور
شود اگر آن کمیانی است و یک ترتیبی
است که نباید بدرشکه چی اهمتائی کرد
بلکه باید بآنجا تمیدی کرد و البته نظر
این نبوده است که بدرشکه چی تمیدی بشود
از راه میانه و اطفال اینطور شایع است

والا درشکه کورس سه قران بود دو قران کردید ولی چطور شده که این تخفیف در قیمت واگون منظور نشده که از سه شاهی بیاید پنج شاهی شود و از پنج شاهی سیصد دینار آن وقت وزارت فوائد عامه هم هیچ حرفی نمیزند این هم در موضوع قیمت.

زعیب سیزده ساعت دست غیب در این مدت سیزده ساعت بقول آقایان و بقول بنده ساعت بلکه بیشتر اجرتشان چیست؟ از چهار قران و ده شاهی بالاتر و از چهار قران و پنج شاهی کم کمتر ندارند یک نفر سیمیز چهار قران و ده شاهی در مقابل سیزده ساعت کار اجرت میگردد آیا آن وزارت فوائد عامه که این امتیاز راحق یا ناحق میدهد باید ملاحظه حال این کارگر ها را بکنند و بدانند که این کمیانی چه ملاحظه حال کارگر ما را نمیکند؟ بنده سؤال میکنم که آیا این ملاحظه در کارگرها شده است یا خیر؟ نسبت بکارگر های یابن دستی هم هم منظور اگر چنانچه یک وقت غفلت یک بیچاره بلیط فروشی اشتباهاً بلیطی بسافر بدهد جریمه اش میکنند اگر سه دفعه این اشتباه را بکنند بکلی از کار منفضلش میکنند اگر هم اعتصاب کنند کارکنند دسته دیگر را میآورند و بکار و امیدارند پس بعقیده بنده این هم ظلمی است نسبت به کارگر مالهذا بنده از وزارت فوائد عامه سؤال میکنم که در این باب عطف توجه و اقداماتی شده است یا خیر؟ سؤال اخیر بنده راجع باین است که باوجود این ترتیبی که در طهران فراهم شده و آسایش فراهم است ترتیبی خواهد شد که وسائل راحتی برای مردم فراهم شود مخصوصاً در وزارت فوائد عامه آقای سردار معظم بایستی بطوری بکنند که اگر یک نفر بخواهد سوار شود اسباب زحمت برای او نشود البته در وزارت آقای سردار معظم که گمان میکنم اغلب در این خیال بوده اند (چنانکه خودشان هم فرمودند) که نسبت بفقره و ضعف کمک کنند حالا خوب است در این موضوع بقرا کمک کنند.

سؤال دیگر ایشان این بود که این امتیاز آیا راجع بتمام ایران است یا منحصراً شهر طهران است؟

خیر این امتیازی که در تاریخ پانزدهم رمضان ۱۳۰۵ داده شده است مربوط به شهر طهران است.

سؤال دیگر بنده راجع بمسئله ترتیب سیر خط آهن است یک جاهائی را سمسور کرده اند توقف تراموای بیچاره آن کسیکه سوار واگون یا تراموای میشود اگر کاری دارد باید صرف نظر کند اگر کسی کاری داشته باشد که بخواهد زودتر بکارش برسد بقدری واگون معطل میکند که شاید بیچاره موفق به انجام کارش نشود از طرف دیگر این دوخطی را که تأسیس کرده که اگر واگون دیگری برسد از مقابل آن عبور کند خیلی خوبست زیرا برای این ترتیب داده شده است که واگون معطل نشود آقایان هم سوار واگون شده اند البته تصدیق میفرمایند که واگونی که مسافر سوار میکند سر دو خط تقریباً نیم ساعت معطل میکند تا واگون ثانوی برسد . اگر این دو خط برای این است که سرعت سیر زیاد تر باشد که نیمی ساعت معطل میکنند اگر یک نفر از پای ماشین بخواهد تا خیابان چراغ برق عقب طیب برود تا وقتی که خودش را برساند گمان میکنم اصل جنازه را هم دفن کرده اند زیرا پیاده راه رفتن که برایش مشکل است شاید دو قران هم نداشته باشد که سوار درشکه بشود یا ممکن است درشکه هم نباشد و تا موقعی که آن شخص بخواهد برود سراغ طیب بیچاره مریض میمیرد و هکذا از این قبیل مسائل (تدریجاً) یادداشت های متعددی از آقایان نمایندگان به آقای دست غیب میرسد هم این کاغذها راجع بشکایت از واگون است و همه آقایان با عراض بنده موافقت میکنند بلکه اگر ممکن بود تماشاچی هم در اینجا حریف بزند آنهم یادداشت میداد.

رئیس - آقا شوالیان را بفرمائید دست غیب بطور سؤال ادا میکنم سؤال میکنم از وزارت فوائد عامه که ترتیب سیر چطور است؟ این واگون برای سرعت سیر است یا چیز دیگر؟ اگر برای سرعت سیواست که اینطور نشود و اگر برای کندی سیر است آن هم بفرمایند سؤال دیگر بنده راجع بکارگر های اداره کمیانی است حق یا باطل ترتیب کار این کارگرها هیچ معلوم نیست از روی چه قاعده است این اشخاص کارگر روزی چند ساعت باید کار کنند؟ آیا ساعات کار آنها مطابق با اجرتی که به آنها میدهند است یا نه؟ کارگر های این اداره تقریباً روزی ساعت بلکه بعضی هایشتر هم کار می کنند

درخود امتیاز خطوطی که باید راه آهن کشیده شود معین است علاوه در یکی از مواد هم ذکر شده که ممکن است کمیانی راه اضافه هم بگشود ولی قبلاً بنده نشانه اش را بدولت یا بوزارتخانه مربوطه بدهد و البته این نکته را هم باید اظهار کرد که جنک بین المللی و مسدود شدن راههای یک قدری مانع بود از ورود خط آهن چنانچه مدیر خط آهن مسوو گریر خودش برای تهیه لوازم کار بفرنگ رفته است و شاید باخودش هم یک مقدار اسباب برای اصلاح بیاورند ولی هنوز وارد نشده است.

پس میتوان گفت که هم وزراء فوائد عامه اسلاف بنده هم خود کمیانی همیشه در نظر داشته اند که یک اصلاحاتی را در حدود امکان قائل شوند و باید امیدوار بود که پس از مراجعت مسوو گریر که رئیس اداره است و عنقریب شاید برگردد دولت ترتیبی خواهد شد که وسائل راحتی برای مردم فراهم شود مخصوصاً در وزارت فوائد عامه آقای سردار معظم بایستی بطوری بکنند که اگر یک نفر بخواهد سوار شود اسباب زحمت برای او نشود البته در وزارت آقای سردار معظم که گمان میکنم اغلب در این خیال بوده اند (چنانکه خودشان هم فرمودند) که نسبت بفقره و ضعف کمک کنند حالا خوب است در این موضوع بقرا کمک کنند.

وزیر فوائد عامه آقای دست غیب در ضمن سوال ایشان بکلی دو مرتبه اشاره فرمودند امتیازی را که وزارت فوائد عامه داده است آیا این نکاتش را ملاحظه کرده است یا نه؟

بنده عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه این امتیاز را نداده است و یکی از نأسف هائی که باید اظهار شود این است که این امتیاز در موقعی داده شده است که بدینسان تمام جهات کار منظور نشده است و آن پیش بینی هائی که باید بشود بعمل نیامده است.

این امتیاز در تاریخ پانزدهم رمضان ۱۳۰۵ داده شده است و در آن موقع آن ترتیبی که معتادم دقت در کاری باشد نبوده است.

بنابراین گویا جواب سؤال ایشان را عرض کردم.

سؤال اول ایشان این بود که تاریخ امتیاز چیست و عرض کردم تاریخ امتیاز پانزدهم رمضان ۱۳۰۵ است.

سؤال دیگر بنده راجع به این است که این امتیاز در تاریخ پانزدهم رمضان ۱۳۰۵ داده شده است و در آن وقت آن ترتیبی که معتادم دقت در کاری باشد نبوده است.

بنابراین گویا جواب سؤال ایشان را عرض کردم.

سؤال اول ایشان این بود که تاریخ امتیاز چیست و عرض کردم تاریخ امتیاز پانزدهم رمضان ۱۳۰۵ است.

رئیس - سؤال آقای ضیاء الواعظین هم راجع به همین موضوع است؟

ضیاء الواعظین - بلی در این موضوع لازم نیست بنده خاطر آقایان محترم را زیاد مصدع بشوم مذاکراتی شد و آقای وزیر فوائد عامه هم جوابهائی دادند ولی بنده خاطر ایشان را تذکر میدهم که برای این امتیاز یک مورد نقض پیدا شده.

همانطور که فرمودند این امتیاز در پانزدهم رمضان سنه ۱۳۰۵ بمدت نود و هفت یا نود و نه سال (که درست نمیدانم) داده شده است.

وزیر فوائد عامه - نود و نه سال ضیاء الواعظین - ولی مورد نقض این امتیاز ماده اول آنست که تا بحال وزارت فوائد عامه متوجه نشده و مسامحه کرده است.

ماده اول این است : صاحب امتیاز بمخارج خود خطوط ذیل را احداث و دائر خواهد داشت اولاً خطی از ابتدای خیابان لاله زار در خیابان ناصریه به امتداد یابده الی سبزه میدان .

خط دیگر از میدان توپخانه مبارکه شروع میشود و از خیابان چراغ گاز و از خیابان دروازه حضرت عبدالعظیم علیه التکریم و از خیابان قبرستان الی خیابان دروازه قزوین کشیده شده و از آنجا نیز تا خیابان مرزبغخانه الی میدان توپخانه مبارکه که محل راه آهن آسیبی است امتداد خواهد یافت.

همین جا مورد نقص است که وزارت فوائد عامه بایستی با کمیانی در این خصوص داخل مذاکره شود ماده اول میگردد این خطوط را کمیانی ملزم است امتداد دهد . از خیابان اسمعیل بزاز و سر قبر آقا و دروازه گمرک و از آنجا متصل بشود دروازه قزوین و میآید توپخانه و تا بحال کمیانی این خطوط را تکمیل نکرده است گویا وقتاً خواسته است شروع کند بعد دیده صرفه ندارد و جمع کرده و وزارت فوائد عامه از موقع استفاده نکرده است خلاصه عرایضم راجع به همین قسمت است . یادداشت های دیگری هست که تقدیم خودشان میکنم تا کاملتر اجماع بفرمایند چون مقصود بنده فشار نیست و اصلاح امر است .

وزیر فوائد عامه - بسیار خوب . بنده هم منتظر یادداشت های آقا خواهم بود .

وزیر فوائد عامه - بسیار خوب . بنده هم منتظر یادداشت های آقا خواهم بود .

رئیس - آقای کی استوان (اجازه)

سوال بدو لازم است از آقای وزیر فواید عامه تشکر کنم که برای دادن جواب حاضر شده اند زیرا سوالات بسیاری از سایر

رئیس - آقای کی استوان (اجازه)

(بشرح ذیل قرائت شد) و نمایندگان آنی که در جلسات مقرره شعبه و کمیسیون بدون عذر موجه تأخیر نمایند نسبت به نیم ساعت تأخیر یک دوازدهم مقرر می شود و روزانه آنها کسر خواهد گردید بدون اینکه برای هر یک جلسه کمیسیون این جرم از نصف مقرر یک روز تجاوز نماید و علاوه هر یک از اعضاء کمیسیون ها که در دو جلسه متوالی و یا در چهار جلسه متناوب بدون عذر موجه در مدت سی روز بکمیسیون حاضر نشوند از عضویت مستعفی خواهند بود

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

رئیس - کسی مخالف نیست؟ (گفتند خیر)

رئیس رأی میگیریم به متمم ماده صدویستم ۱۲۰

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

رئیس رأی میگیریم به متمم ماده صدویستم ۱۲۰

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

گمان میکنم این پیشنهاد را اصلاح عبارتی باید دانست زیرا در اینجانب نوشته با امضاء مهر و این همچو میرساند که هم مهر لازم است هم امضاء و این ترتیب در این مملکت که بر حسب ترتیبات تجدیدی مهر متروک شده است اشکال خواهد شد.

چون يك قسمت از مردم ابدأ خط ندارند و فقط مهر دارند در اینصورت قادر با امضاء نیستند.

يك قسمت هم مهر ندارند و اصلاً امضاء میکنند و محتاج به مهر نیست.

از این جهت بعقیده بنده باید نوشته شود مهر با امضاء و این گمان میکنم اصلاح عبارتیست.

مخبر - چون در این ماده يك پیشنهاد قابل توجه شده است و رأی گرفته نمیشود استدعا میکنم این پیشنهاد را هم مراجعه بفرمایند بکمیسیون.

دامغانی - رأی بگیریید

ملک الشعراء - قبول کردند

دامغانی - بسیار خوب

رئیس - با تنفس کسی مخالف نیست ؟

(گفتند خیر)

در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید

رئیس - ماده چهارم لایحه علامات صنعتی و تجارتی

(بعضیون ذیل فرائت شد)

ماده چهارم - اظهارنامه هر علامتی که در حدود مقررات این قانون بوزارت تجارت پیشنهاد میشود در دفتر مخصوص ثبت ذیل آن را اظهار کننده و مأموریکه متصدی ثبت است امضاء خواهند نمود

در صورتی که علامت بتوسط وکیل معرفی شده و کات نامه باصل اظهارنامه منضم گردیده و منطبق میشود

رئیس - کسی مخالف هست یا خیر؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی گرفته می شود به ماده چهارم

آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد

ماده پنجم

(بعضیون آتی خوانده شد)

ماده پنجم - ثبت هر علامت در دفتر فوق الذکر باید با رعایت مراتب ذیل بعمل آید

اولاً - تاریخ روز و ماه و سال و ساعت ثبت

ثانیاً - اسم و شغل و مسکن صاحب علامت و وکیل او در صورتی که معرفی به توسط وکالتنامه بعمل آید

ثالثاً - اسامی و اوصاف نوع و یا

انواع مال التجاره و یا محصول صنعتی که علامت مزبور برای امتیاز و تشخیص آن بکار خواهد رفت

رابعاً - تفصیل چگونگی علامت بطور اجمال و اینکه علامت بطور مقرر و یا برجسته و یا مسطح در روی جنس نقش و یا طرح خواهد شد

خامساً - مبلغ حق ثبت مأخوذ مطابق ماده پنجم این قانون

صورت ثبت در دو نسخه نوشته شده يك نسخه باظهار کننده و نسخه دیگر بدفتر وزارت تجارت برای ضبط داد خواهد شد

در روی نسخه اصلی در دفتر و همچنین در روی هر يك از دو نسخه باید نقشه از علامت الصاق بشود

رئیس - کسی مخالف نیست (گفتند خیر)

رأی گرفته میشود آقایانی که ماده پنج را تصویب میکنند قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام کردند)

رئیس - تصویب شد - ماده شش (بعضیون ذیل فرائت شد)

ماده ششم - وزارت تجارت در صورتیکه ملاحظه نماید که علامت پیشنهادی بواسطه شباهت کاملی که با علامت دیگر دارد مردم را با اشتباه خواهد انداخت از ثبت و تصدیق آن امتناع خواهد نمود

رئیس - آقای اخگر

اخگر - يك که که زیاد دارد در صورتیکه ملاحظه نماید که علامت ۰۰۰ يك (که) زیاد است

مخبر - قبول میکنم

رئیس - رأی میگیریم ماده ششم با حذف لفظ (که) آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(جمع کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد - ماده هفتم: (اینطور خوانده شد)

ماده هفتم - برای حفظ حقوق افراد نسبت به علامت صنعتی و تجارتی که قبل از وضع این قانون استعمال مینموده اند از تاریخ انتشار رسمی این قانون الی انقضای یکسال مهلت داده میشود که کلیه دارندگان علامت صنعتی و تجارتی در صورتیکه به انحصار استعمال علامت خود در مملکتی مایل باشند علامت مزبور را بوزارت تجارت معرفی نمایند

اجازه استعمال هیچ گونه علامتی صادر نخواهد شد مگر پس از انقضای مدت يك سال مهلت فوق الذکر و با رعایت شرایط ذیل

اول علامت موافق مقررات این قانون باشد

دوم - عین و یا شباهت علامت صنعتی و تجارتی دیگری که در مدت مهلت برای ثبت و صدور اجازه بوزارت تجارت تسلیم شده و ثبت شود که قبل از آن علامت معمول و متداول بوده است نباشد

تیسر - اسنادیکه حق تقدم برای

علامات صنعتی و تجارتی ثابت می نمایند عبارت از قوانین و احکام دولتی ایران در صورت فقدان نوشتجات رسمی اسناد و تصدیق نامه هائیکه تقدم استعمال علامتی را ثابت نماید ، در هر حال اسناد رسمی او الویت خواهند داشت

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - يك اصلاح عبارتی اینجادراد اسنادی که حق تقدم برای علامات صنعتی و تجارتی ثابت مینمایند عبارتست از قوانین و احکام دولتی ایران در صورت فقدان نوشتجات رسمی الی آخر ، این جا بین این دو جمله يك (واو) لازم دارد ؛ احکام دولتی ایران «و» در صورت فقدان نوشتجات الی آخر

مخبر - واو نمیخواهد ، دو جمله است

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

آقای شایخ محمد علی طهرانی - این عبارت فقره دوم را که نوشته «عین و یا شباهت علامت صنعتی و تجارتی دیگری الی آخر ، چون در ماده سوم پیشنهاد آقای ارباب قابل توجه شد که کلیشه بوزارت فوائد عامه داده نشود باید طوری بنویسند و عبارت را بشکلی اصلاح کنند که کلیشه را استثناء کنند

رئیس - آقای ضیاء الواعظین

(اجازه)

ضیاء الواعظین - پیشنهاد آقای ارباب که در مجلس قابل توجه شد و بکمیسیون میرود صحت فرمایش آقای طهرانی را ایجاب نمیکند در صورتی هم که بنا باشد کلیشه بوزارت فوائد عامه داده نشود این عبارت بجاست و چیزی راجع بکلیشه در اینجا نیاستی توضیح داده شود وقتی که نقشه بوزارت فوائد عامه داده شد و وزارتخانه تصویب کرد و صاحب علامت امتیاز گرفت دیگر هیچ کس حق ندارد عین یا شباهت آن را بسازد

شبهه چه چیز را؟ عین یا شباهت آنچه را که در وزارت فوائد عامه موجود است و در مجله رسمی منتشر میشود نمیتواند استعمال کند ولی اینجا در دفتر چهارم از ماده هفت يك باز یاد دارد

کلیه دارندگان علامت صنعتی و تجارتی در صورتیکه با انحصار استعمال علامت خود در مملکتی مایل باشند علامت مزبور را بوزارت تجارت معرفی نمایند

رئیس - رأی گرفته میشود بساده هفت

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - مخالفم

رئیس - باچه مخالفید ؟

شیخ الرئیس - با حذف یا

رئیس - بفرمائید

شیخ الرئیس - ممکن است که یکی از تجار مادر مملکت دیگر باشد مثلاً در هندوستان است بمناسبت ایرانی بودن میخواهد به این ترتیب اجازه انحصار علامت بگیرد یا تنباکو فروش است در مملکت میخواهد اینطور علامت بگذارد پس در مملکتی بهتر است

ضیاء الواعظین - اجازه میفرمایند توضیح عرض کنم

رئیس - (خطاب به شیخ الرئیس) اصل راپورت کمیسیون اینجا هست و مملکتی نیست

شیر وانی - در نسخه بنده مملکت دارد

مخبر - در طبع ثانی اشتباه شده است

رئیس - رأی گرفته میشود ماده ۷ با تبدیل مملکتی بمملکت آقایانی که ماده هفتم را باین ترتیب تصویب می نمایند (جمعی از نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۸ فرائت (اینطور قرائت شد)

ماده هشتم - در صورتیکه دارنده علامتی بخواهد علامت خود را بدیگری انتقال دهد باید بموجب اظهارنامه مراتب را باطلاع وزارت تجارت رسانیده نام و نشان شخص جدید را ذکر و تحصیل اجازه مخصوص کدر ظهر ورقه صورت مجلس ثبت قید خواهد شد بنماید

در صورت فوت صاحب علامت صنعتی و تجارتی صاحبان قانونی آن علامت مزبور را کما فی السابق معمول میدارند فقط باید بموجب اظهار نامه که اسناد مربوطه نیز بآن منضم باشد مراتب را در مدت شش ماه باستحضار وزارت تجارت برسانند

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - موافقم

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدین - در ماده هشتم سطر سطر می گوید نام و نشان شخص جدید را ذکر این عبارت عوامانه است مقصود از نشان اوصافست ؟ علامات میزبه آن شخص است چیست بنده تصور میکنم این کلمه نشان اینجا زائد است مگر اینکه نشان بقصد شخص باشد

مخبر - این اهمیتی ندارد ممکن است بجای نام و نشان

بگذارد

رئیس شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس بنده با نام و نشان موافقم

رئیس - آقای مخبر عبارت نام و نشان را مسترد داشتند و بجایش اسم گذاشتند

شیخ الرئیس - باین اصلاح مخالفم زیرا نام و نشان خیلی لفظ فصیح خوبی است و بعلاوه فارسی ساده و در اشعار شعرا و فصحا عبارات ادبانه و بلغام هست من نمی دانم چه اشکالی داشت که آقای مخبر پس گرفتند و بجایش اسم پیشنهاد کردند و چه جهت دارد

آقای تدین ایراد میکنند مقصود این است که اسم و شهرت و آدرس او را بنویسند که بداند کی است و کجا است تا هر وقت خواستند با او مراجعه کنند بتوانند و نام و نشان واقعی باین مقصود هست و بنظر بنده خیلی خوب لغتی هم هست و باید باشد و اسم کافی نیست

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده هم با نام و نشان موافقم و با اسم مخالفم

نام نشان مثل اسم و رسم است باید اسم او را اینکجه چه سن دارد در کجا متوطن است آدرسش چیست اینها اطلاع بدهند نام و نشان لغت مرکیبی است و هیچ عیب ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین یواش یواش کار میکشد به استدلال از عبارات ادبانه غیر ذلک اما انتقادات نمودند بنده عرض کردم مقصود از نام و نشان که دو چیز است یا يك چیز اگر مقصود يك چیز است و از نام و نشان روی هم رفته اسم او را قصد کرده اند این عبارت صحیح نیست و اگر مقصود از نشان علامت میزبه او است که اصطلاحاً فرق میکنند

اگر بخواهد تشریف ببرد از وزارت خارجه يك تذکره بگیرد اینجا نشان شخص يك طور مخصوصی است قدش چطور است ابرویش چشمش و علامت و قیافه اش چطور است

ملک الشعراء - آن نشانه آنست

تدین - در ماده هشتم سطر سطر می گوید نام و نشان شخص جدید را ذکر این عبارت عوامانه است مقصود از نشان اوصافست ؟ علامات میزبه آن شخص است چیست بنده تصور میکنم این کلمه نشان اینجا زائد است مگر اینکه نشان بقصد شخص باشد

مخبر - این اهمیتی ندارد ممکن است بجای نام و نشان

مخبر - بنظر بنده این موضوع و آقایان زیاد تفصیل دارند مقصود این است که اسم و آدرس محل و بعضی جزئیات دیگرش را بگوید اگر میخواهد همین هارا ذکر کند

خواهش میکنم يك ماده دراز تر بنویسند پیشنهاد کنید

البته هر کس که میخواهد بکنفری را که طرف او است بوزارت خانه معرفی کند میداند چطور معرفی کند و این جزئیات راه می نویسد و بنده جدیتی در هیچ يك از دو موضوع ندارم و چون آقایان نام و نشان را بهتر می دانند همان نام و نشان باشد و بنده دیگر پیشنهادی نمی کنم در هر حال این مناقشه عبارتی است و در اصل موضوع فرق نمی کند

رئیس - اسم را پس گرفتید

مخبر - بلی همان نام و نشان باشد

رئیس آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - در آخر سطر چهارم این ماده هشتم مینویسد در ظهر ورقه صورت مجلس ثبت قید خواهد شد بنماید

این عبارت ناقص است و درست مفهوم نمیشود خواهش میکنم آقای مخبر توضیح بدهند تا معلوم شود

ضیاء الواعظین - يك واو لازم دارد

مخبر - ثبت و قید خواهد شد

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - بنده در همان اسم عرض داشتم حالا که پس گرفتید هیچ

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - من ناچار شدم يك كلمه خدمت آقای تدین عرض کنم

نام نشان يك كلمه واضح و زبان فارسی هم هست خیلی هم خوب است ما حتماً باید همیشه کلمات عربی بکار ببریم و کلمات فارسی را استعمال نکنیم ؟ آخر چه عیب دارد که موفق بشویم بتدریج کلمات فارسی را متداول کنیم از این جهت خواستم عرض کنم که اشکال نکنند

رئیس آقای میرزا شهاب (اجازه)

آقای میرزا شهاب - اینجا آقای سهام السلطان درست ملتفت نشدند و آقای مخبر هم اشتباه کردند مقصود این است که در ظهر صورت مجلس ثبت قید شود

رئیس آقای میرزا شهاب (اجازه)

آقای میرزا شهاب - بنده با توضیحی که آقای مخبر دادند موافقم و خواستم

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - گمان می کنم اصلاً عبارت فارسی نیست اینکه فرمودید بدتر شد و هیچ فهمید نشد میگوید (تصحیل اجازه مخصوصی که در ظهر ورقه صورت مجلس قید خواهد شد بنماید) اگر و او اضافه کنید یا نکنید هیچ کدام مفهوم نیست خواستم آقای مخبر طوری این را اصلاح بفرمایند که معنی آن مفهوم شود

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدین بنده مخالفم

رئیس - آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - خواستم عرض کنم اگر همان او را اضافه کنید صحیح میشود و غیر از آن معنی نمیدهد

رئیس - آقای تدین

تدین آقای آقاسید یعقوب در غیر موقع گفتند این کلمه نشان فارسی است میدانم فارسی است این ماده هشت هم فارسی است

اما طوری فارسی است که بنده نمی فهمم و یقیناً اگر فارسی بود بنده میفهمیدم در ظهر ورقه صورت مجلس ثبت قید خواهد شد بنماید مقصود این است که در ظهر ورقه صورت مجلس ثبت خواهد شد بنماید

رئیس آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - تبت و قید خواهد شد

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - بنده در همان اسم عرض داشتم حالا که پس گرفتید هیچ

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - من ناچار شدم يك كلمه خدمت آقای تدین عرض کنم

نام نشان يك كلمه واضح و زبان فارسی هم هست خیلی هم خوب است ما حتماً باید همیشه کلمات عربی بکار ببریم و کلمات فارسی را استعمال نکنیم ؟ آخر چه عیب دارد که موفق بشویم بتدریج کلمات فارسی را متداول کنیم از این جهت خواستم عرض کنم که اشکال نکنند

رئیس آقای میرزا شهاب (اجازه)

آقای میرزا شهاب - بنده با توضیحی که آقای مخبر دادند موافقم و خواستم

عرض کنم . . .

رئیس - خوب موافق هستی بعد از مخالف صحبت کنید . آقای مدبر الملک (اجازه)

مدبر الملک - به عقیده بنده خود آقای مخبر در ضمن توضیح تصدیق کردند که اینجا يك چیز زیاد است یا ثبت یا قید و اگر در این مورد لطفاً خودشان قبول کنند «راو» اضافه شود بین ثبت و قید و باینکه اصلانیت را بر دارند موضوع حل و اختلاف رفع میشود و بیش نهاد زیادی هم لازم نیست بشود

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده خوب آقایان را توجه میدهم که در عبارت دقت بفرمایند «بنماید» را خبر «تصحیل قرار میدهم بیشتر هم در يك ماده دیگر گفتند که مجلس ثبتی هست . . .

نمایندگان با همه و خنده - آقا مجلس ثبت چیست ! کجا چنین چیزی گفتند !

آقاسید یعقوب - بنده راهونکبند نکتم مجلس ثبت يك جایی است در مقابل مجلس سنا یا مجلس شوری و انجن بلدی که نمایندگان منتخب ملت بیایند آنجا بنشینند که شما فی الفور میخواهید استفاده بکنید

در وزارت فوائد عامه جایی هست که علامت صنعتی را می برند موافق این قانون آنجا ثبت میکنند و آنجا بآن اداره دفتری دارد که آن صورت مجلس ثبت است

آن وقت در عبارت دقت بفرمائید و همان طور که عرض کردم «بنماید» را خبر برای «تصحیل اجازه» قرار بدهید يك جمله در این میان مینماید و آن عبارت « که در ظهر ورقه (صورت مجلس ثبت) قید خواهد شد عبارت را قدری دقت بفرمائید نه هیچ اشکالی دارد نه هیچ چیز زیادی نه هیچ کمی مگر اینکه بیش نهادی دارید بکنید که مجلس رأی بدهد آن چیز دیگری است

رئیس - چون ظهر شده است اگر صلاح بدانید بقیه مذاکرات در این قانون بماند برای بعد

(جمعی از نمایندگان صحیح است)

رئیس - مخالفی ندارد؟

(بعضی از نمایندگان خیر)

رئیس - راجع بطرح آقای ضیاء الواعظین که در خصوص مدارس و کلاس های صنعتی پیشنهاد کرده بودند و کمیسیون مبتکرات تصویب کرده بود در ضمن تقاضای فوریت هم شده بود فراموش شدن نسبت به حالا رأی میگیریم

(شرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون مبتکرات طرح قانونی

ضیاءالواعظین و جمعی از نمایندگان محترم را راجع بتأسیس کلاس های صنعتی در مدارس ابتدائی مجانی و تمهید کلاس های متوسطه چهار باب از ۸ باب مدارس متوسطه فعلی طهران را بکلاسهای صنعتی مطرح مذاکره قرار داده و باتفاق آراء قابل توجه دانسته فوریت آن را اظهار و تقاضا مینماید که به کمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده در عین اینکه با اساس این پیشنهاد مخالفتی ندارم با فوریتش مخالفم. اولاً بر طبق يك اصل از اصول قانون اساسی و همچنین يك ماده از مواد نظامنامه داخلی در هر طرح قانونی که پیشنهاد میشود باید نظر وزیر مسئول راجع گردیده و نماینده در کمیسیون مبتکرات این کار صورت گرفته است یا نه؟

علی ای رال این تذکر برای آقایانی است که در کمیسیون مبتکرات عضویت دارند برای اینکه در تصویب لوایح قبلاً نظر وزیر مسئول راجع کنند والا ممکن است که اگر قبل از جلب نظر وزیر مسئول رائی بدهند و توجه مجلس را جلب نکنند مجلس هم قابل توجه بداند و رأی بدهد بقابل توجه بون آن طرح بعد آن وزیر مسئول نباید در مجلس ادنه اقامه بکنند و مجلس را متقاعد کند که آن طرح غلط بوده و آن وقت يك تضمینی در عقاید آراه مجلس میشود.

بنابر این لازم است کمیسیون مبتکرات بطور کلی در هر مطلبی جلب نظر وزیر مسئول را بکنند حالاً در این جا جلب نظر وزیر مسئول شده است یا نشده است من نمیدانم چون نشده است بایستی کمیسیون مربوطه که طرح بانجا ارجاع میشود این کار را بکنند و چون این موضوع را مهم میدانم عجلتاً بفرودتیش نمیتوانم رأی بدهم که بیک شور اکتفا بشود.

بنابر این بنده پیشنهاد می کنم اگر تقاضای فوریتی هم باید بشود واگذار کنیم بنظر کمیسیون معارف بعد از آنکه تبادل نظر با وزیر مسئول کردند اگر اصولاً بداند این عملی میشود و موجبات فوریت امر بنظر آنها رسید کمیسیون معارف میکنند در ضمن زایرتی که می دهد تقاضای فوریت بکنند.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - بنده هم با فوریت مخالفم ولی ادله فوریتش را هنوز نگفته اند و چون مطلب مهم است خوب است ادله فوریت را بفرمایند تا مخالفت خود را بیان کنم.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده هم با فوریت مخالفم. آقای شیخ فرج الله - بنده تذکر نظامنامه دارم.

رئیس - بفرمائید آقای شیخ فرج الله در ماده شصت و پنجم عبارتست که بعقیده بنده شامل این موضوع میشود میگوید:

(هیچ طرحی را که مستلزم ازدیاد مقرری یا مدد معاش یا وظیفه باشد بعنوان ماده الحاقیه یا بعنوان اصلاح نمیتوان پیش نهاد کرد و همچنین است طرحی که خواه مستلزم احداث تأسیسات یا اشغال یا وظایف بوده خواه باعث توسعه هر يك از این فقره خارج از حدود قوانین جاریه باشد باعثتقدیر من این طرح طرحیست که مستلزم احداث تأسیسات یا چیزهای جدیدی خواهد شد منجر بوجه و خرجی میشود پس بدون اینکه از طرف دولت پیشنهاد بشود نماینده نمیتواند پیشنهاد کند.

رئیس - خیر آقای این دره ورتیست که مشغول مذاکره در قانون بودجه یا بودجه يك روز از تخرانه استبد آن وقت در ضمن شور نمیشود طرحی پیشنهاد کرد.

ضیاءالواعظین - بنده اجازه میخواهم بر طبق وظیفه مخبری خودم از این فرمایشات که فرمودند جواب عرض کنم . اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بلی بفرمائید. ضیاءالواعظین - در قسمتی که آقای تدین فرمودند کمیسیون مبتکرات لازم است نظر وزیر مسئول را جلب کند در نظامنامه در ضمن موادی که مخصوص وظایف کمیسیون مبتکراتست چنین ذکر نشده است اگر در جای دیگر باشد خوبست بفرمائید.

بعلاوه کمیسیون مبتکرات پیشنهاد کرده که این موضوع بکمیسیون معارف برود و احاطه کمیسیون معارف باین قسمت از کمیسیون مبتکرات بیشتر است وزیر مسئول یا اعضای وزارتخانهها و آتھائی که صلاحیت دارند از طرف کمیسیون معارف دعوت میشوند و نظریات خودشان را می گویند در قسمت عملی بودن این موضوع هم بعد در جای خودش صحبت میشود که کاملاً عملی است.

در کمیسیون معارف که مطرح شد نظر وزیر معارف یا معاون یا کسانی که در این قسمت اطلاعات و تخصص دارند کاملاً جلب میشود ولی نقطه نظر کمیسیون مبتکرات راجع بفرودتیش همانطور که حضرت والا شاهزاده شیخ الرئیس فرمودند که توضیح داده شود.

اینست که پس از طرح این مسئله در کمیسیون معارف و جلب نظر وزیر مسئول و حصول موافقت نظر لازم است در این خصوص

نظری هم در پروگرام مدارس بشود تا ضمناً (مطابق فرمایش آقای آقا شیخ فرج الله) مستلزم بودجه و خرج زیادی هم برای دولت نباشد و هم منظور از بودجه معارف این کلاس های صنعتی دایر شود و از این نقطه نظر لازم بوده است که تجدیدنظر در پروگرام فعلی مدارس بشود.

بنابر این مقدمات چون این مسئله مدتی در کمیسیون معارف و مجلس شورای ملی معطل میشود و در شورای عالی معارف و مقامات صالحه دیگر نیز تجدید نظر در این پیشنهاد بعمل میآید و این کارها مدت زیادی لازم دارد کمیسیون مبتکرات تقاضای فوریت کرد تا جبران آن معطلی بشود.

تدین - اجازه میفرمائید بنده ماده قانون اساسی و نظامنامه را بخوانم رئیس - دخالتی که در رأی ندارد اگر دارد بخوانید.

(بعضی از نمایندگان - راجع بفرودتیش؟)

تدین - خیر راجع به جلب نظر وزیر مسئول است.

رئیس - بفرمائید تدین - ماده چهارم و دوم نظام نامه می گوید:

(اگر طرح قانون که از طرف نماینده پیشنهاد شده است راجع بیکي از وزراء مسئول باشد موافق اصل چهلم قانون اساسی باید آن وزیر را مطلع نمود که خود یا معاون او حاضر شده مذاکرات در حضور او بعمل آید).

اصل چهلم قانون اساسی هم اینست: (در موقع مذاکره و مذاقه لایحه مذکور در اصل ۳۹ چه در مجلس چه در انجمن تحقیق اگر لایحه مذکور راجع بیکي از وزراء مسئول باشد مجلس باید به وزیر مسئول اطلاع داد که اگر بشود شخصاً او را معاون او به مجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود).

اصل سی و نهم کدام است ؟ این (هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضاء مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلاً ۱۰ نفر از اعضای مجلس مذاکره آن مطلب را تصویب نمایند.

(یعنی طرح آن قانون) در این صورت آن عنوان کتباً بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو ادر انجمن تحقیق مطرح مذاکره قرار دهد) انجمن تحقیق بعقیده بنده کمیسیون مبتکرات است.

جمعی از نمایندگان - صحیح است. تدین - آن وقت در اصل چهلم مراجعه کرده است باین اصل سی و نهم و بالاخره

مقصود این است اموری که راجع بوزارتخانهها در کمیسیون مبتکرات (که این بلفظ انجمن تحقیق ذکر شده) مطرح میشود باید در حضور وزیر مسئول باشد و يك از وزراء در موقع شور نسبت به طرح در کمیسیون مبتکرات نبوده اند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است رأی بگیرد. مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی میگیریم بفرودتیش آقای ضیاءالواعظین راجع بکلاس های صنعتی آقایانیکه فوریتش را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. چند نفر راپرت از کمیسیون مرخصی رسیده اند قرائت میشود.

(خبر راجع بمرخصی آقای صدرالاسلام بشرح آتی خوانده شد)

آقای صدرالاسلام نماینده معارف بواسطه کسالت عارضه يك ماهه کتباً تلگرافاتاً تقاضای تمدید مدت مرخصی نمودند کمیسیون پس از مشاوره تصور مینماید که بیست روز دیگر بر مدت اجازت سابقه افزوده شده که پس از معالجه حرک فرمایند. تاریخ تمدید از اول میز است.

رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا یحیی دولت آبادی - بنده با کلیه اجازه نامهائی که بعد از این مجلس بیاید مخالفم مگر اینکه حق خود را برای کار خیری واگذار کنند بچنینی اینک فکر يك وقتی را هم باید کرد آن قدر اجازه بطلبید تا بالاخره مجلس اکثریت نیفتد این است که بنده بطور کلی با اجازه نامهها مخالفم.

جمعی از نمایندگان - بگیرد.

رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی آقای صدرالاسلام آقایانیکه مرخصی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. راپرت مرخص آقای دبیر اعظم قرائت میشود.

آقای دبیر اعظم نماینده معارف بواسطه رمد چشم که بتصویب اطباء متخصصان باید تحت معالجه و عمل در آید چهل روز استجاره مرخصی نموده بودند کمیسیون پس از مشاوره چهل روز را زائد دانست يك ماهه تصویب مسی نمایند تا راقبیت از او ان تصویب است.

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

شاهزاده شیخ الرئیس - ملتفت نشدم اگر این مرخصی برای معالجه است طبیب باید تشخیص بدهد که چند روز برای معالجه لازم است کمیسیون

بچه مناسبت چهل روز را زائد و يك ماه تجویز کرده است گمان نمیکنم کمیسیون صلاحیت داشته باشد. رئیس - رأی گرفته میشود. آقایانی که مرخصی يك ماهه ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. راپرت مرخصی آقای مدبر الملک (بشرح آتی خوانده شد)

آقای مدبر الملک نماینده معارف بواسطه ابتلای بدیابت و استهلاج آن يك هفته استجاره نموده بودند کمیسیون پس از مشاوره تصویب می نماید که در مدت مزبوره نماینده معارف غائب با اجازه ثبت شوند.

تاریخ غیبت از اول میزان است. رئیس - آقایانی که مفاد این راپرت را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. بقیه راپرت ها میماند برای جلسه دیگر.

جلسه آتی هر روز ۳ شنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر. دستور اولاً بقیه لایحه علامت صنعتی.

تانیاً لایحه وسائط نقلیه. آقای دامغانی راجع بدستور فرمایشی دارید؟

دامغانی - خیر خارج از دستور است. رئیس - آقای سر کشیک زاده.

(اجازه)

سر کشیک زاده - در تعقیب بیاناتی که آقایان فرمودند بنظر بنده پیشنهاد آقای داور هم ترین مسائل است و بنده تقاضا می کنم جزء اول دستور جلسه آتی گذارده شود.

رئیس - رجوع میشود بشبههها از شب که برگشت جزء دستور گذارده میشود. آقای عدل الملک

(اجازه)

عدل الملک - بنده تقاضا میکنم شهریه مجدداً سلطان مستخدم معارف اگر راپرت آن از کمیسیون خارجه رسیده است جزء دستور جلسه آتی گذارده شود.

رئیس - در صورتی که راپرت آن طبع و توزیع شده باشد جزء دستور می شود. آقای تدین.

(اجازه)

تدین - دو فقره راپرت از کمیسیون بودجه تقدیم شده است یکی راجع بوراث يك آزان متوفی و دیگری راجع به محمد علی نام یکی از سواران گمرک است استدعا دارم مقرر فرمائید جزء دستور شود.

رئیس - در درجه چهارم مطرح میشود. آقای شیخ الرئیس

(اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - راجع به تعمیر مقبره فردوسی اگر موقع است خوبست پیشنهاد آن جزء دستور بشود والا باشد برای جلسه بعد.

رئیس - میماند برای جلسه پنجشنبه. آقای سر کشیک زاده. (اجازه) سر کشیک زاده - تقاضا میکنم لایحه وزارت عدلیه که به مقام محترم ریاست تقدیم شده آن جزء دستور شود. بعلاوه خواستم سؤال کنم فرمودید پیشنهاد آقای داور به شعب رجوع میشود؟

رئیس - بلی سر کشیک زاده - پس تقاضا میکنم بفرمائید شعب زودتر تشکیل شوند.

رئیس - شعبه ها پس فردا صبح قبل از تشکیل مجلس منعقد میشوند و مطالعه خواهند نمود.

آقای دامغانی. (اجازه)

شربتمدار دامغانی - بنده می خواستم مسئله روضه خوانی مجلس را به مقام محترم ریاست تذکر بدهم.

رئیس - روضه مجلس را بیست و هشتم و بیست و نهم و سلخ ماه قرار میدهم. (مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک

منشی - م. شهاب - منشی معظم - السلطان.

جلسه ۶۱

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه اول میزان ۱۳۰۳ مطابق ۲۳ شهری ظفر - المظفر ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست زقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس بیست و نهم سنبله را آقای میرزا شهاب قرائت نمودند) رئیس - آقای وکیل الملک

(اجازه)

وکیل الملک - بنده در جلسه گذشته کتباً تقاضای اجازه مرخصی از مقام ریاست کرده بوده بدم و اجازه نامه بکمیسیون عرایض هم رفته بود با این حال بنده راقاب بی اجازه نوشته اند

رئیس - جمعی اجازه خواسته بودند شاید عذر موجه هم داشته اند تقاضا آنها بکمیسیون عرایض مراجعه شد ولی چون کمیسیون تشکیل نمیشود اظهار رأی نشده اداره مباشرت هم بر حسب تکلیف خودش

راغاب بی اجازه نوشته اند رئیس - جمعی اجازه خواسته بودند شاید عذر موجه هم داشته اند تقاضا آنها بکمیسیون عرایض مراجعه شد ولی چون کمیسیون تشکیل نمیشود اظهار رأی نشده اداره مباشرت هم بر حسب تکلیف خودش

رئیس - جمعی اجازه خواسته بودند شاید عذر موجه هم داشته اند تقاضا آنها بکمیسیون عرایض مراجعه شد ولی چون کمیسیون تشکیل نمیشود اظهار رأی نشده اداره مباشرت هم بر حسب تکلیف خودش

رئیس - جمعی اجازه خواسته بودند شاید عذر موجه هم داشته اند تقاضا آنها بکمیسیون عرایض مراجعه شد ولی چون کمیسیون تشکیل نمیشود اظهار رأی نشده اداره مباشرت هم بر حسب تکلیف خودش

رئیس - جمعی اجازه خواسته بودند شاید عذر موجه هم داشته اند تقاضا آنها بکمیسیون عرایض مراجعه شد ولی چون کمیسیون تشکیل نمیشود اظهار رأی نشده اداره مباشرت هم بر حسب تکلیف خودش